این [گونه دعوت‌ها] را رها کنید که آن [عملی] متعفن است

جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت می‌کند: ما در یکی از غزوات بودیم، مردی از مهاجرین، مردی از انصار را [از پشت] لگد زد، انصاری فریاد زد: «ای انصار! [به فریادم برسید]» و مهاجری گفت: «ای مهاجرین! [مرا یاری کنید]»، الله متعال این سخن را به گوش رسولش رسانید، فرمودند: «این چیست؟» گفتند: مردی از مهاجرین، مردی از انصار را لگد زد، انصاری گفت: «ای انصار!» و مهاجری گفت: «ای مهاجرین!». آنگاه پیامبر فرمود: «این [گونه دعوت‌ها] را رها کنید که آن [عملی] متعفن است» جابر گفت: انصار زمانی که پیامبر به مدینه آمدند بیشتر بودند، سپس مهاجرین بعداً زیاد شدند، عبدالله بن اُبّی [سرکرده منافقان] گفت: آیا واقعاً کار به اینجا کشیده؟! به الله سوگند اگر به مدینه بازگردیم، قطعاً عزیزتر ذلیلتر را از آنجا بیرون خواهد کرد، عمر بن خطاب رضی الله عنه گفت: ای رسول الله! اجازه دهید گردن این منافق را بزنم، پیامبر فرمود: «او را رها کن! مبادا مردم سخن گویند که محمد اصحاب خود را می‌کشد».

[صحیح] [متفق علیه]

پیامبر در یکی از غزوات همراه اصحاب مهاجر و انصار خود بودند، مردی از مهاجرین، پشت مردی از انصار را با دستش زد. انصاری فریاد زد: ای انصار! مرا یاری کنید، و مهاجری گفت: ای مهاجرین! مرا یاری نمایید، رسول الله این صدا را شنید و پرسید: این چیست؟ به ایشان گفتند: مردی از مهاجرین، پشت مردی از انصار را زد، انصاری گفت: ای انصار مرا یاری کنید! و مهاجری گفت: ای مهاجرین مرا یاری کنید. پس پیامبر فرمود: این عادت جاهلی را رها کنید که زشت، مکروه و آزاردهنده است؛ یعنی وقت فردی بر حریفش غلبه می‌یابد، قوم خود را فرامی‌خواند و آنها—از روی جهل و تعصب—به یاری او می‌شتابند، خواه ستمکار باشد یا ستمدیده. جابر رضی الله عنه فرمود: انصار زمانی که پیامبر به مدینه هجرت کردند بیشتر بودند، سپس مهاجرین بعداً زیاد شدند. عبدالله بن ابی بن سلول، سرکرده منافقان گفت: آیا واقعاً کار به اینجا کشیده؟! به الله سوگند اگر به مدینه بازگردیم، قطعاً عزیزان—یعنی خود و همراهانش—ذلیلان—یعنی پیامبر و یارانش—را از مدینه بیرون خواهند کرد. عمر بن خطاب رضی الله عنه گفت: ای رسول الله! اجازه دهید گردن این منافق را بزنم، پیامبر فرمود: او را رها کن! مبادا مردم بگویند که محمد اصحاب خود را—ولو در ظاهر—می‌کشد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/prs/show/65783